

# «صدای سربداران» (۱۳)

«صدای سربداران» می کوشد به اشاعه دیدگاهها و نظرات اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) یاری رساند.

اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) یگانه نماینده و پرچمدار مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائو تسه دون در ایران است.

اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) یکی از گردانهای جنبش انقلابی انترناسیونالیستی است که برای ایجاد حزب کمونیست انقلابی در ایران و برپا ساختن جنگ خلق فعالیت می کند.

هدف اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) تحقق انقلاب دمکراتیک نوین گذار به سوسیالیسم در ایران و سرانجام برقراری کمونیسم در سراسر جهان است.

درباره میامت خبری صدای سربداران - ۶۸/۶/۲۱

همانطور که متوجه شده اید، «صدای سربداران» به نسبت سایر رادیوهای موجود اپوزیسیون کمتر به انتشار اخبار روز می پردازد و آنچه بعنوان سخن امروز یا سیری در وقایع هفته بشما ارائه داده می شود، فقط ۱۵ درصد از کل برنامه های ما را تشکیل می دهد. این مسئله ای اتفاقی و بی دلیل نیست و کاملاً با هدف و خط کلی «صدای سربداران» انطباق دارد.

در فرصتهای مختلف ضمن رجوع به بیانیه شروع کار صدای سربداران از این بحث کرده ایم که رادیوی ما در درجه اول با پیشروان طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان سخن می گوید. آنچه این پیشروان از يك رادیوی کمونیستی می طلبند، تکرار اخبار و اطلاعاتی که طی روز می توان از بنگاههای خبری دولتی مختلف، از بی بی سی و صدای آمریکا گرفته، تا اسرائیل و جمهوری اسلامی شنید، نیست. حتی صرف چسباندن تفسیری به انتهای این اخبار، و احیاناً تمویض برخی اصطلاحات و القاب در متن خبر نیز نمی تواند خواسته ها و نیازهای پیشروان طالب آگاهی طبقاتی را پاسخگو باشد.

البته اشتباه نشود، منظور ما رد تفسیرها بطور کلی نیست. ولی آن تفسیرهایی که شنونده را به عمق مطلب نمی برد، و از آن مهمتر از خبر مورد بحث بعنوان دریچه ای برای ورود به عرصه پیچیده مناسبات موجود استفاده نمی کند، بکار تکامل سطح آگاهی طبقاتی و نگرش علمی پرولتاریا به جهان پیرامون و نیروهای

موجود نمی آید. بعلاوه تفسیری که لاعلاجی معضلات بنیادین اجتماعی، ضرورت تغییر مناسبات کهنه و راه این دگرگونی را در خود منعکس نکند نیز ناقص است.

بگذارید برای جلوگیری از برخورد سطحی به رابطه تفسیر و تغییر تاکید کنیم که ارائه يك خبر، همانطور که از آژانسهای خبری جهان گرفته شده، و چسباندن يك بند اندر ضرورت این کار و آن کار توسط این یا آن طبقه به آخر آن نیز دردی را دوا نمی کند.

ما تلاش داریم در مواردی به تفسیر خبر بپردازیم و اخباری را انتخاب کنیم که بتواند به شناخت عمیقتر از مناسبات اقتصادی اجتماعی و سیاسی موجود یاری رساند و جایگاه و حرکت طبقات مختلف و نمایندگان سیاسی شان را بوضوح بنمایش گذارد. بهمین خاطر ما در انعکاس اخبار بر يك گوشه خبر، یا بروی يك نیروی مشخص در آن تمرکز می کنیم.

مسلماً این نقطه تمرکز در «صدای سربداران» با نقطه تمرکز در سایر رادیوها فرق دارد. چون هر نیروی طبقاتی از زاویه منافع خودش به هر خبری نگاه می کند، و با تفسیر آن خبر می خواهد مسئله مورد نظر خود را جا بیاندازد. مثلاً رادیوهای دولتی نظیر بی بی سی، صدای آمریکا و اسرائیل در انعکاس اخبار مربوط به جنبش ها و مبارزات موجود در سراسر جهان، با بطور کلی در مورد اوضاع هر کشور، کاری می کنند که شنونده نقش تعیین کننده در تحولات را به قدرتهای بزرگ امپریالیستی بدهد. این رادیوها بطور کلی نافی نقش توده ها هستند و اگر هم بخواهند جنبش های توده ای را بزرگ کنند، آنهاپی است که تحت رهبری

نمی یابد. به اخبار و اطلاعاتی که مسائل بنیادین اجتماعی یعنی عشق و نحوه استثمار و ستمگری را بروشنی نشان می دهد و روحیه و حال و هوای توده های ستمدیده، برخوردار طبقات مختلف به وقایع معین و مسائلی از این دست را بازتاب می دهد.

این وظیفه شما رفقا در قبال «صدای سربداران» است که به جمع آوری این اخبار و اطلاعات بهر دزید و آنرا از طریق مناسب با رعایت اصول امنیتی، چه در زمینه بروی کاغذ آوردن خبر و حذف نام ها و نشانهها، چه در مورد نحوه ارسال بدست ما برسانید. ارتباط خود را با صدای سربداران منظم تر و محکمتر و پربارتر سازید.

سیری بر وقایع هفته - ۱۷/۶/۶۸

#### ایالات متحده

بالاخره پس از ماهها بالا و پائین رفتن، بوش رئیس جمهور آمریکا، خط و مشی باصلاح تازه خود را برای مبارزه علیه مصرف مواد مخدر اعلام کرد. برای اجرای این برنامه ۵ میلیارد دلار بودجه اختصاص یافته است. بوش اعلام کرد که آمریکا به هر دولتی که بخواهد با قاچاقچیان مواد مخدر مباره کند، کمک خواهد کرد. او گفت که این کمک شامل تجهیزات نظامی خواهد بود.

آنچه که مسلم است، مبارزه علیه مواد مخدر، پوششی است برای مداخله نظامی آشکار امپریالیسم آمریکا در کشورهای نومستمره جهت سرکوب انقلاب و همچنین تسویه حساب با برخی جناحهای ارتجاعی مخالف خوان در هیئت حاکمه های وابسته. آنچه که امروز بوش بصراحت مطرح می کند، خیلی وقت است که عملا مقدمات انجامش فراهم گشته است.

از چند ماه پیش آمریکایی ها به بهانه مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر در پرو دست به ساختن پایگاه نظامی جدیدی در دره هواآگا زده اند. قرار است ساختمان این پایگاه نظامی تا پایان سال مسیحی جاری به پایان برسد. این پایگاه دارای باند فرود هواپیما و هلیکوپتر و ساختمانهای مجهز خواهد بود. قرار است ۳ هواپیما و ۹ هلیکوپتر با پرسنل در آنجا مستقر شوند. بعلاوه خلبانهای مزدور آمریکایی برای کمک به ارتش پرو پیوسته اند. توطئه مداخله نظامی برای سرکوب انقلاب، تحت پوشش مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر، ترفند تازه آمریکاست که پس از شکستهای پیاپی حکومت پرو در مقابله با ارتش نوین خلق پرو بکار گرفته شده است. حزب کمونیست، طبقه کارگر و خلق پرو بدون شک بهرگونه اقدام تجاوزکارانه آمریکا، پاسخی درخور خواهند داد.

جریانات ارتجاعی یا سازشکار قرار دارند. بزرگ کردن شخصیتهای بی خطر و مدافع نظام موجود و تبدیل آنها به شخصیتهای وجیه المله کار روزمره رادیوهای امپریالیستی است. این بار در اخبار رادیوهای خارجی دقت کنید، و ببینید که چگونه سران ارتجاعی احزاب اسلامی افغانستان، سران سازشکار و ضدانقلابی کلیسای افریقای جنوبی نظیر اسقف توتو، سران ضدانقلابی سندیکای همبستگی نظیر لئخ والسا و افراد و جریاناتی از این قبیل را بزرگ می کنند.

در مورد انتشار خبرها نیز همینطور است. خیلی خبرهای مهم که متعکس کننده حرکت پروتلاریای جهانی و نبردش علیه کل سیستم است، شاید فقط یکبار به اخبار راه یابد، آهم در جوار يك سلسله اخبار ریز و درشت و منحرف کننده تا تاثیرات احتمالیش خنثی گردد. بطور مثال به اخبار مربوط جنگ خلق در پرو تحت رهبری حزب مائونیست این کشور توجه کنید، که یا اصولا متعکس نمی شود و یا اگر هم شد سر و دم برینده و تحریف شده است.

همین مسئله بگونه ای دیگر هنگام برخورد به رادیوهای اهوزیسیون هم بچشم می خورد. مثلا رادیوهای رویزیونیستی هوادار سوسیال امپریالیسم شوروی تا آنجا که در توانشان هست می کوشند اخبار فضاخت بار مربوط به بلوک تحت سرکردگی شوروی را اصلا متعکس نکنند. یا اگر هم مجبور به شکستن سکوت شوند، آنچنان مطلب را می پیچانند و طولانی می سازند که شنونده ترجیح می دهد به این موضوع اصلا فکر نکند. یا رادیویی که مبلغ اکونومیست در میان کارگران باشد، نظیر رادیوی حزب کمونیست، حجم عمده برنامه هایش را به تبلیغ مبارزه برای صنار و سه شاهمی اختصاص میدهد و می کوشد تصور و برداشت توده های کارگر از مقولات پیروزی و شکست طبقه را در چارچوب نتایج این مبارزات اقتصادی محصور سازد.

«صدای سربداران» در ارائه تفسیر اخبار، يك هدف مهم دیگر را هم دنبال می کند و آن کمک به پیشروان پرولتر است تا خود بتوانند مستقلا هر واقعه ای را بطور صحیح تحلیل کنند و جایگاه و اهمیت هر تحولی را بر مبنای شمای کلی جامعه و جهان تعیین نمایند. توانایی در انجام این کار جزئی مهم از پرورش مروچین و مبلغان کمونیست است. برای ارائه تفسیرهای زنده و عمیقی که بتوانند همچون جراحی حاذق پیکر نظام موجود و مناسبات کهنه را در مقابل دیدگان توده تشریح کند.

ما به اخبار و اطلاعات زنده و دست اول از حیطه های مختلف حیات اجتماعی احتیاج داریم. به اخبار و اطلاعات مهمی که در رسانه های دولتی هیچگاه انعکاس

کهنه هایشان را نسبت بدشمنان داخلی جمهوری اسلامی حفظ کنید.

سهس خبر رسید که پاسداران به تجمع گسترده خانواده زندانیان سیاسی جانباخته یا کماکان اسیر در گورستان تهران حمله برده و تعداد کثیری را دستگیر کردند. و بالاخره در جریان عزل و نصب های جدید، لاجوردی جلا بد ریاست اداره کل زندانهای کشور منصوب شد.

برخلاف تحلیل هایی که رسانه های گروهی امپریالیستی، یا برخی تیروهای اپوزیسیون بورژوازی می خواهند بخورد مردم دهند، این انتصاب نشانه پیروزی این جناح بر آن جناح، یا نتیجه يك جنگ قدرت درونی نیست. لاجوردی جلا بد، مظهر سرکوبگری و سبیت رژیم کمرادور اسلامی در تمامیت آن است. انتصاب لاجوردی جلا بد نشانه نیاز حیاتی کل هیئت حاکمه لرزان و بی ثبات و مستاصل به محکم در دست گرفتن چماق سرکوب است. جمهوری اسلامی برای این دوره که با تشدید استثمار و ستم توده های کارگر و دهقان و زحمتکش و مستحکم کردن تمام بندهای همه جانبه وابستگی به سیستم امپریالیستی همراه خواهد بود، احتمال بهائیزمی خیزشها، اعتراضات و مقاومت شتمدیدگان را می دهد و بخیال خود می خواهد پیشاپیش این درد را درمان کند.

سرکوب خانواده های زندانیان سیاسی، که يك کانون پایدار و مقاوم مبارزه علیه رژیم بحساب می آیند، خط و نشان کشیدن برای هر آنکس که با خشم و کینه ای عظیم بصوف مبارزه انقلابی رانده می شود و سازماندهی يك سلسله ترورهای جویبانه برای مرعوب ساختن توده ها، آن کارهایی است که در ذهن کور مرتجعین حاکم عاجل جلوه می کند. و این خصیصه مشترک ذهنیت تمامی رژیمهایی است که اجل مرگ بالای سرشان چرخ می زند.

رژیم و دانشگاه - ۶/۶/۲۱

در ادامه مشاطه گری های کابینه رفتنجان و بعنوان جزئی از سیاست بدست آوردن دل افشار میانی، خصوصا قشر متخصص و برنامه ریز، وزارت علوم و آموزش عالی اعلام کرده که می خواهد امتیازاتی به دانشگاهیان، اهم از دانشجو یا استاد بدهند. وزیر علوم و آموزش عالی طی مصاحبه ای خبر داد که به کمال اعتبارات بانکی تعداد خوابگاههای دانشجویی را گسترش خواهند داد. و ظرفیت ۱۲ هزار نفری کنونی را به ۳۱ هزار نفر خواهند رساند. این در باغ سبزی است که نشان قشر دانشجو

اما علاوه بر استفاده ای که بهانه مبارزه یا مواد مخدر برای حضور نظامی آمریکا خارج از مرزهایش راه می آورده، این يك تاکتیک مزورانه برای ایجاد جو ارباب و گسترش سرکوب و کنترل توده های تحتانی خصوصا سیاهان درون خود جامعه آمریکا هم هست. از چند سال پیش، یعنی از دوره ریگان باند های مسلح حکومتی، مرتبا به محلات زحمتکشی ایالات متحده هجوم می بردند و جوانان عاصی سیاهپوست را گروه گروه به اسارت در می آوردند یا در خیابانها به بهانه مشکوک بودن به گلوله می بستند. تحت پوشش مبارزه با مواد مخدر هزاران خانه در آمریکا مورد بازرسی قرار گرفته است.

بنظر می رسد که مرتجعین جهان از تاکتیکهای واحدی برای مقابله با انقلاب خلق استفاده می کنند. باید دانست که خود این دولتها هستند که ورود و خروج مواد مخدر به کشورهایشان را کنترل می کنند. همینها هستند که سررشته اصلی تولید و توزیع مواد مخدر، یعنی یکی از پرفرجه ترین کالاهای جهان سرمایه داری را در کف دارند. مگر کسی باور می کند که زالوصفتانی چون امپریالیستهای آمریکایی و نوکرانشان نظیر حکام اسلامی ایران از چنین سودی چشم پهبوشند.

در پایان به يك نکته دیگر اشاره داریم، آیا استفاده از مواد مخدر در کشورهای امپریالیستی نظیر آمریکا، و همچنین در کشورهای تحت سلطه نظیر ایران يك معضل اجتماعی نیست؟ چرا، بدون شك چنین است. اما همانطور که مارکس گفت:

«مردم با تغییر محیط اطرافشان خود را تغییر می دهند.»  
برای ریشه کن ساختن معضلات اجتماعی نظیر اعتیاد به مواد مخدر، ابتدا بایستی تغییرات ریشه ای در مناسبات اجتماعی صورت بگیرد. اعتیاد به مواد مخدر مسئله شماره يك نیست. مسئله اصلی موجودیت تکیت بار امپریالیسم و ارتجاع است. برای ریشه کن ساختن تمامی مصائب و بیلایای جامعه، منجمله مسئله اعتیاد باید این نظام و حکامش را سرنگون ساخت.

ایران

در این هفته چند خبر از ایران داشتیم، که بار دیگر بر محور سیاست رژیم در دوره بازسازی تاکید می گذاشت و نشان می داد که اتکا هر چه بیشتر به سرتیبه و چماق سرکوب با جدیت در دستور کار حکام درمانده اسلامی قرار دارد.

نخست خامنه ای بعنوان رهبر جمهوری اسلامی ضمن صحبت کردن از لزوم رثوف بودن در بین خودی ها و دامن نزدن به اختلافات درونی به همه گوشزد کرد که

سطح دانشگاهیان حفظ شد. و شیوه های گوناگون تبقیه و توانیت بکارشان آمد. حضور این عناصر و تبلیغات افعال آور و غیرسیاسی شان عامل مهمی در سمت دهی ذهنی توده های دانشجو، بست مسائل صرفا صنفی و عقب مانده بوده است.

گزارشاتی هم که در دو سال گذشته توسط نیروهای رویزیونیست توده - اکثریتی، کشتگری - راه کارگری انتشار یافته، حاکی از حرکت صنفی دانشجویان حول مطالبات رفاهی است. رویزیونیستها این قبیل حرکات را تبلیغ و تقدیس می کنند. این قبیل حرکات بی خطر راه و جمهوری اسلامی هم با مانورهای اخیر خود و با پیش گذاشتن امتیازات واقعی و یکسری وعده های خاص دانشگاهیان، در پی خلع سلاح کردن دانشگاه و بدست آوردن دل این قشر است.

اینکه رژیم در منفعل کردن دانشگاهیان موفق خواهد شد یا صنفی گری رویزیونیستها موثر خواهد افتاد، موضوع بحث ما نیست. از نظر ما جو دانشگاهها و ذهنیت قشر دانشجو همانند بسیاری دیگر از اقشار میانی از طریقی دیگر می تواند دستخوش تحول شود و نیرویی را از این میان بست انقلاب سوق دهد و آن برپایی يك قطب قدرتمند پرولتری است که با برپایی آتش جنگ خلق، جامعه راقطبی خواهد کرد. طبقه کارگر آگاه با گسترش جنگ انقلابی خود و متحدانش در شهر و روستا بر بخشهای میانی نیز تاثیر می گذارد و حال و هوا و روحیه منفعل و عقب مانده را در هر محیطی زیر ضربه می برد. در آن صورت است که اگر جمهوری اسلامی بجای ۳۱ هزار واحد خوابگاه، ۳۱ میلیون بسازد، بازم با دانشگاه بعنوان یکی از سنگرهای مبارزه انقلابی مواجه خواهد گشت و نشان رهبری طبقه کارگر را حتی در شعارها و جنبش انقلابی گسترش یابنده در میان اقشار روشنفکری و میانه حال شهری را نیز خواهد دید.

سیسری پر وقایع هفته - ۶۸/۶/۲۴

بلوك شرق

هفته ای که گذشت سه جلوه بارز از بحران سرمای داری دولتی در بلوك شرق را شاهد بودیم. شوروی، آلمان شرقی و لهستان صحنه بروز این وقایع بود. در اتحاد شوروی با ادامه تعارضات ملی در جمهوری آذربایجان روبرو شدیم که با اعتصاب فلج کننده کارگران و کارکنان راه آهن این جمهوری همراه بود. آلمان شرقی جابجایی بی سابقه و عظیم جمعیتی چندین هزار نفره از

دادند. استادان نیز امتیازی کسب کردند و آن قطعات زمین برای ساختن مسکن در شهرستانها و ۴۰۰ واحد آپارتمانی از شهرك اکباتان برای اساتید ساکن تهران است. بعلاوه وزیر کابینه رفسنجانی قول داد که لایحه بالا بردن پایه حقوقی استادان و محققان را در دستور کار قرار دهد.

این قبیل اقدامات از سوی بورژوا کمپرادورهای اسلامی انتظار می رفت. هیئت حاکمه ارتجاعی کنونی نیز نظیر سلف سلطنتی اش برای بروی غلتک انداختن کارها و گرداندن چرخ دستگاه به متخصص و برنامه ریز و کادر احتیاج دارد و قاعدتا اینها باید در سطحی وسیع از میان فارغ التحصیلان موسسات آموزش عالی تامین شود.

در کشورهای تحت سلطه، بهمین خاطر است که حکومتها توجه خاصی به دانشگاهیان دارند و غالبا از امتیازدهی مادی به آنان دریغ نمی ورزند. در زمان شاه همین طور بود. رژیم از کانالهای مختلف، پول و امکانات بود که به دانشگاه سرازیر می کرد. البته این نکته را هم باید در نظر داشت که در آن دوران دانشگاه سنگر مبارزه سیاسی بحساب می آمد و جنبش دانشجویی بالنسبه قدرتمندی تحت تاثیر جریانات مختلف سیاسی شکل گرفته بود. بنابراین امتیازات اقتصادی از دید رژیم حربه ای بود برای خریدن سکوت دانشجویان و تخفیف جنبش، هرچند هیچگاه این حربه موثر واقع نشد.

این واقعیتی است که چهره دانشگاه طی چندساله اخیر، چهره ای متفاوت از زمان شاه، یا دوره کوتاه دوساله بعد از استقرار جمهوری اسلامی است و این بی ارتباط با فیلترهای چند گانه پذیرش دانشجو و اعمال کنترل شدید ایدئولوژیک بر متقاضیان ورود به دانشگاه نیست. بهرحال این هفت خوان اسلامی، تاثیرات خود را بر جای گذاشته است. خصوصا آنکه سرکوب خونین سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۲ محیط دانشگاه را از فعالین کمونیست و انقلابی باسابقه تهی ساخته و رشته انتقال تجارب مبارزاتی به نسل جدید دانشگاهی را قطع کرده است. جو دانشجویان طی این چند سال بشدت غیرسیاسی و عقب مانده، و آشکارا مبین سیاست گریزی بوده، به يك معنی برخلاف گذشته دانشگاه بسیار دورتر از جنبش و مقاومت جاری توده های تحتانی جامعه نك لنگان گام زده است.

يك علت دیگر غلبه و تداوم این موقعیت ذهنی عقب مانده، حضور نسبتا دائمی عناصر رویزیونیست توده - اکثریتی در محیط دانشگاه طی تمامی سالهای سرکوبگری جمهوری اسلامی بوده است. جریانات توده - اکثریتی علیرغم آنکه در مقطع معینی زیر ضربه قرار گرفتند، اما من الحیث المجموع نیروهایشان خصوصا در

شهروندانش بقصد مهاجرت به آلمان غربی را نظاره کرد. و بالاخره لهستان، با کابینه ائتلافی جدید بریاست تادیو مازویسکی از رهبران اتحادیه همبستگی روبرو شد.

عرصه این تحولات، یعنی تعارضات ملی، مهاجرت یا فرار گسترده و بالاخره شکاف در انحصار قدرت حکومتی، شاخص هایی از بحران بلوک تحت سرکردگی سوسیال امپریالیسم شوروی را بنمایش می گذارند. طی سی و چند سال گذشته در اتحاد شوروی که کماکان ادعای سوسیالیستی بودن را دارد، ستم ملی و سلطه بورژوازی امپریالیستی روس بر سایر ملل احیا شده است. یعنی ستمی که با پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و تحت رهبری لنین و استالین بمیزانی تعیین کننده محور شده بود. بعد از کودتای بورژوازی خروشکف، در سال ۱۹۵۶ و سرنگونی دیکتاتوری پرولتاریا، این ستم تحت شرایطی نوین دوباره تکوین یافت. آثارش خاص تولید سرمایه داری و رقابت ذاتی سرمایه درون نهادها، مناطق و ملل مختلف اتحاد شوروی، به پیشی گرفتن و تسلط تمام و کمال بورژوازی روس از طریق حزب و دولت انجامید. امروز با ایجاد شکاف در هیئت حاکمه شوروی، و اجبار سوسیال امپریالیستها در اتخاذ سیاستهای فضای باز و بازسازی گورباچف، زمینه غلیان اعتراضات و مخالفتها با این ستمگری فراهم گشتند. بدون آنکه بخواهیم به جریانات ذهنی غالب بر جنبشهای ملی موجود در آذربایجان، یا دیگر جمهوریهای شوروی بپردازیم، باید بر این نکته تاکید کنیم که ظهور این جنبشها نتیجه و نشانه کارکرد سرمایه داری انحصاری امپریالیستی در کشور پهناور و کثیرالمله شوروی است.

حال به مسئله مهاجرت یا فرار گسترده شهروندان آلمان شرقی از طریق خاک مجارستان به آلمان غربی می پردازیم. کشورهای امپریالیستی غرب روی این مهاجرت بسیار تبلیغ می کنند. و می خواهند چنین وانمود سازند که این مردم از کمونیسم می گریزند و این دلیل دیگری است بر حقانیت دنیای بااصلاح آزاد غرب است. شک نیست که اکثریت قریب به اتفاق فراریان آلمان شرقی در جستجوی زندگی بهتر، در همان مفهوم سطحی رفاه و امنیت بیشتر و آزادیهای گسترده تر اجتماعی و سیاسی به آلمان غربی سرازیر شده اند. اینکه چنین توهمی بر ذهن آنان سایه افکنده و چارچوب مطالباتشان بطوری خودبخودی در حصار بورژوازی قرار گرفته، دلیل بر آن نمی شود که دولت آلمان شرقی محق قلمداد شود. برخلاف تبلیغات سوسیال امپریالیستهای روسی و آلمان شرقی و هوادارانشان نظیر حزب توده و اکثریت و راه کارگر که با ضدانقلابی و ضد کمونیست خواندن فراریان، میخواهند زشتی و ناعادلانه بودن مناسبات در

بلوک شرق را بپوشانند، باید گفت که این مهاجرت و فرار گسترده در ماهیت امر فرار از مصائب و معضلات کارکرد سرمایه و ستم و استثمار موجود در این کشورهاست. این اعتراضات بعلت عدم وجود نیروی آگاه انقلابی درون بلوک شرق به منجلا ب غرب هدایت گشته اند. وقتی عنصر ذهنی پرولتری در صحنه حضور نداشته باشد، باید انتظار اینرا داشت که توده ها تحت بمباران امپریالیستهای رقیب راه چاره را در بااصلاح بهشت غرب بجویند. هرچند دیری نخواهد پائید که این فراریان آتش جهنم غرب را بهمان شدت شرق بر جسم و روح خویش حس کنند و ماهیت یکسان این دو بلوک امپریالیستی بتجربه دریابند.

و اما بپردازیم به موضوع بقدرت رسیدن تادیو مازویسکی از رهبران اتحادیه همبستگی در لهستان، که نشانه دیگری از بحران عمیق در این کشورها و نیز از راه حلهای پیشنهادی شوروی و هیئت حاکمه لهستان، برای خروج از این بحران می باشد. جنبش عظیم و مداوم کارگری در لهستان که بویژه با تعمیق بحران اقتصادی، رشد سرسام آور تورم، کمبود کالاها اساسی و غیره بالا گرفته بود، زمینه ای را فراهم کرد که حزب رویزیونیست در مقابل سران مرتجع هوادار غرب و کلیسای کاتولیک اتحادیه همبستگی، مجبور به عقب نشینی شوند و به تشکیل دولت ائتلافی تحت ریاست تادیو مازویسکی رضا دهد.

آمریکا و بلوک غرب از تشکیل دولت جدید لهستان ابراز رضایت کردند. شوروی نیز بهمچنین. غرب بدنبال آن است که از کانال هواداران خود در دولت و با حربه کمکها و اعتبارات مالی به این کشور، که شدیداً محتاج به آنهاست، میان لهستان با بلوک شرق شکاف اندازد و نهایتاً پیمان نظامی ورشو را در این حلقه مهم با يك خلاء جدی روبرو کند. البته شوروی و متحانش در حکومت لهستان نیز با قبضه کردن دو وزارتخانه کلیدی دفاع و کشور و در واقع با حفظ سلطه خود بر نیروهای مسلح بعنوان رکن اصلی قدرت دولتی تلاشی دارند مانع تحقق اهداف غرب شوند. سران حزب رویزیونیست لهستان با قبول تشکیل دولت ائتلافی، يك هدف دیگر را هم دنبال می کردند و آن قرار دادن سران همبستگی در راس حکومت و در مواجه با بحران لاینحل در اقتصاد بیمار سرمایه داری دولتی است. شکست سران همبستگی در مقابله با بحران، آلترناتیو غرب در لهستان را در افکار عمومی این کشور و دیگر نقاط بی اعتبار خواهد ساخت. در واقع رویزیونیستها شمار «گرتو بهتر می زنی، بستان بزنی» را مقابل دار و دسته لخب و والسا قرار داده اند با اطمینان به اینکه اینها از پس غول تورم و گرانی و

که مقامات دادگستری انگلستان مجبور شدند او را به ۱۱ سال حبس محکوم کنند. کورش فولادی در مدت اقامت خود در زندان با توصیه و کوششهای جمهوری اسلامی از امکانات خوب رفاهی برخوردار گشت. کورش فولادی بعد از بازگشت به ایران اعلام کرد که او بیگناه متهم به تروریست شده بود و فلج دست و نابینائی پیشش مربوط به کتکهای است که پلیس انگلستان در زندان به وی زده است. البته این کارها از پلیس فاشیست انگلستان در مورد خیلی متهمین جرمهای مختلف صورت می گیرد. بارها اتفاق افتاده که مبارزین ایرلندی در زندانهای انگلستان در اثر ضرب و شتم پلیس انگلستان کشته شده اند. اما این اقدامات شامل کسانی مثل کورش فولادی نشده و نمی شود. همزمان با آزادی کورش فولادی موج تازه ترور جمهوری اسلامی، علیه مخالفین و مبارزین قدیمی چون کشاورز و صدیق کمانگر براه افتاده و حتی دکتر قاسملو باوجودی که بر سر میز مذاکره با جمهوری اسلامی قرار داشت از این موج در امان نماند.

بدون شك، آزادی امثال فولادی با بازگذاشتن دست مزدوران مسلح رژیم در کشورهای امپریالیستی ارتباط دارد. آزادی کورش فولادی توسط انگلستان، همکاری و همدلی مرتجعین اسلامی با امپریالیستهای غیراسلامی را بخوبی بنمایش می گذارد. بیانات ضد تروریستی قدرتهای جهانی، همانقدر واقعی است که ادعاهای ضد امپریالیستین جمهوری اسلامی. اربابان و نوکران هر دو از يك خمیره اند.

#### کنگره ایالات متحده

جمهوری اسلامی، هفته گذشته يك دلیل جدید برای اثبات ضد امپریالیست بودن خود بدست آورده، آهم در شرایطی که همه و همه رژیم را آمریکائی می خوانند. دلیل جدید طبق معمول از آسمان نازل شده، از سوی خدایانه، از عمارت کنگره ایالات متحده. ۱۸۶ نماینده سندی را به امضا رسانده و تسلیم جیمز بیکر وزیر امورخارجه و جورج بوش رئیس جمهور آمریکا نمودند که طبق آن ایالات متحده می باید سیاست نزدیکی با رژیم تهران را کنار گذاشته و در عوض به اپوزیسیون، منجمله به سازمان مجاهدین روی خوش نشان دهند. از جار و جنجالهای خامه ای و دیگر سران جمهوری اسلامی که گفتند، هان دیدید آمریکا با ما مخالف است که بگذریم، ماجرا را باید از زاویه سیاست کلی ایالات متحده در قبال کل منطقه بررسی کرد.

امپریالیسم آمریکا طی سالهای اخیر سیاست دوگانه ای را در مورد جمهوری اسلامی اعمال کرده است. این سیاست بمعنای ایجاد بندهای بیشتر مستقیم و غیر

کمبود بر نخواهند آمد. بیخود نیست لغ والسا چند روز پیش طی مصاحبه ای گفت:

«اما با قبول شرکت در دولت ائتلافی، اشتباه بزرگی مرتکب شدیم، اما ضمناً چاره دیگری هم نداشتیم.»

مسئله شکست عمال غرب و آبرویاختگی بیشتر متحدان و عمال شرق در لهستان، زمینه مساعدی را برای رشد و تعمیق آگاهی توده ها نسبت به ماهیت همانند این دویلوک امپریالیستی فراهم خواهد کرد. زمینه اعتراضات کارگری نسبت به دولت جدید ائتلافی، از هم اکنون چیده شده است. بخشی از کارگران تنها به فاصله يك هفته پیش از تشکیل دولت جدید شعار دادند: «اما نان می خواهیم، نخست وزیر ارزانی خودتان» مسلماً اینها از همان گروه کارگران مبارزی هستند که در میتینگهای اخیر همبستگی سخنرانی لغ والسا را با اعتراضات خود قطع کرده بودند.

از مجموعه این تحولات می باید بار دیگر این نتیجه را بیرون کشد که بحران در بلوک شرق، همانند غرب بسیار تعمیق یافته و پایه های سلطه حکومتها را بشدت متزلزل ساخته است. اینکه که شرایط روز بروز برای برپایی آشوبها و شورشهای توده ای مساعدتر می گردد، تنها جای يك چیز خالی است و آن عنصر آگاهی یعنی احزاب پرولتری راستین است. این کمبودی است که باید با تلاش و کمک پیگیرانه کمونیستهای راستین سراسر جهان و مشخصاً جنبش انقلابی انترناسیونالیستی رفع گردد

#### ایران

اوایل هفته ای که گذشت یکی از مزدوران تروریست جمهوری اسلامی که چندین سال در زندان انگلستان بسر می برده، به ایران بازگشت. بازگرداندن او در نتیجه زده و بندهای آشکار و نهانی است که جمهوری اسلامی با انگلستان برای آزاد کردن راجر کوپر و واردشدن در مناسبات وسیعتر سیاسی و اقتصادی آغاز کرده است.

کورش فولادی چند سال پیش درحالی دستگیر شد که همراه با دو نفر دیگر برای کارگذاشتن بمبی در هایدپارک لندن و در بین نیروهای مخالف رژیم جمهوری اسلامی که روزهای یکشنبه در آنجا جمع می شدند، عازم این محل بود. اما بسبب مزبور در ماشین آنها منفجر شد و دو نفر دیگر درجا کشته شدند. کورش فولادی بشدت زخمی و به بیمارستان منتقل شد. در نتیجه انفجار بسبب کورش فولادی يك چشم خود را از دست داد و يك دستش نیز فلج شد. با اینکه مقامات جمهوری اسلامی برای آزادی وی کوشش زیادی کرده اند، اما مسئله بسبب گذاری در هایدپارک لندن چنان آشکار بود و چنان افشا گشت

باطن ضعیف و بحران زده تعیین نمی کنند. علیرغم میل اینها و نوکرانشان در چارگوشه جهان، منجمله هیئت حاکمه کمبرادوری ایران، عامل دیگری می تواند سربلند کند: عامل انقلاب، انقلابی که شرایط عینی برپایی اش در روز بروز فراهم تر می شود و ایجاد شرایط ذهنی اش در گرو فعالیت پیگیرانه و متشکل پرولتراها آگاه، از طریق ایجاد حزب پیشآهنگ طبقه کارگر و برپایی جنگ انقلابی توده های کارگر و دهقان است. اینگونه است که توده ها نه فقط سرنوشت خود، که سرنوشت محتوم امپریالیستها و مرتجعین را نیز تعیین خواهند کرد.

مناسبات امپریالیستها و جمهوری اسلامی و موضوع تروریسم - ۶/۱۹/۶۸

روز ۱۷ شهریورماه، رادیوها خبر دادند که کنفرانس کشورهای بااصطلاح غیر متعهد پایان یافته است. و این کنفرانس در اعلامیه پایانی خود قطعنامه ای که شامل محکوم نمودن تروریسم دولتی بوده، صادر کرده است. جمهوری اسلامی هم که خود را خیلی غیرمتعهد و ضد تروریسم دولتی می داند، فوراً پشتیبانی کامل خود از این قطعنامه را اعلام نمود. وقاحت و بیشرمی جمهوری اسلامی را حدی نیست. تروریسم را در سراسر جهان سازمان دادن و همزمان محکوم کردن آن در بیانیه های رسمی، برقراری روابط حسنه با امپریالیستها و چاپلوسی آنها و همزمان فحش دادن به آنها، شیوه معمول جمهوری اسلامی است.

بعد از قبول قطعنامه ۹۸ و برقراری آتش بس در جنگ خلیج، رژیم اسلامی بسختی می تواند وجود معضلات حاد اقتصادی، اجتماعی را توجیه کند. بعلاوه حکام ارتجاعی با بی روحیگی شدیدی در میان پایه های حزب الهی شان روبرو شدند، لذا در اوج درماندگی چاره ای جز دست یازیدن به ترور و تشدید سرکوب، برای فعال کردن پایه اجتماعی خویش و قدرتمند نشان دادن خود نمی بینند. سیاهه اعمال جنایتکارانه جمهوری اسلامی در خارج از کشور نیز روشن است. از حملات بی در پی حزب الهی های چاقوکش به تجمع پناهندگان و سیاسیون در پاکستان و هند در سال ۱۹۸۱ که منجر به شهادت امیر راهدار از هواداران پیکار و شهرام میرانی از هواداران سازمان چریکهای (اقلیت) شد تا طرحریزی و اجرای ترور شخصیت ها و فعالین اپوزیسیون، که آخرین آنها ترور عبدالرحمن قاسلو، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران در اتریش و غلام کشاورز از اعضای حزب کمونیست ایران در قبرس بود.

به موازات همین مسائل چند روز پیش اطلاع یافتیم

مستقیم با هیئت حاکمه ارتجاعی ایران و در عین حال اعمال فشارهای ادواری برای تحکیم موقعیت عوامل و هواخواهان خود در رژیم اسلامی و تضعیف جناحهای رقیب و متمایل به سوریه و لیبی بوده است.

آمریکا از چندسال پیش جمعبندی کرده که این سیاست کارآئی زیادی دارد. از سوی دیگر امپریالیسم یانکی که به سیاست بندبازی و بااصطلاح تاکتیکهای دیپلماتیک جمهوری اسلامی در برخورد به تضادهای غرب و شرق واقف است، می کوشد با توجه به مسائل حاد منطقه ای، در مقاطعی بروی ایران فشار بگذارد، تا پا را از گلیش درازتر نکند.

مثلا اقدام جدید نمایندگان آمریکا را نباید فقط در ارتباط با تحولات درون جامعه ایران و دعوی جناحهای حکومت اسلامی در نظر گرفت. بلکه باید تحولات منطقه ای، بخصوص اوضاع افغانستان و لبنان و مواضع و اقدامات جمهوری اسلامی در این موارد را مد نظر قرار داد. اگر رژیم ایران برای حفظ و گسترش نفوذ خود در بین احزاب اسلامی افغانستان، و همچنین درمیان جریانات اسلامی لبنان، مانورهای چه اندر قیچی داده، و در يك مورد با شوروی و در موردی دیگر سوریه و حزب الله لبنان وارد زدوبند شده، اگر بصراحت از سیاست حذف نجیب الله از دولت آتی افغانستان پشتیبانی نکرده، یا هنوز معامله آزادی گروگانهای غربی را جوش نداده، آنوقت آمریکائیا قدری فشار بر نوکران اسلامی شان را واجب می شمارند.

همینجا لازم است به تبلیغاتی که سازمان مجاهدین، پیرامون موضعگیری ۱۸۶ ناپیخته کنگره آمریکا راه انداخته و آنرا بعنوان دست آورد عظیمی برای بقول خودشان «مقاومت ایران» ارزیابی کرده، اشاره ای داشته باشیم. نخست آنکه امپریالیستها برای کارآتر کردن فشار خود بر جمهوری اسلامی، بهتر می بینند که صرفاً به محکوم کردن این رژیم قناعت نکنند، بلکه حمایت ضمنی از نیروی دیگر را چاشنی قضیه سازند، تا بااصطلاح به طرف مربوطه حالی کنند که حق انتخاب همیشه با آنهاست. ثانیاً، قدرتهای امپریالیستی با توجه به بی ثباتی کلی رژیم و بحران عمیق نظام در ایران، همواره احتمال بهم ریختن اوضاع و بهاخیزی آشوبها و خیزشهای گسترده را در نظر دارند. و از این زاویه بهتر می بینند که آلترناتیو یا آلترناتیوهای را برای روز مبادا نگه دارند و بقول فرنگی ها همه تخم مرغهایشان را در يك سبد نچینند.

البته اینها که گفتیم، طرحها و اهداف امپریالیستهاست و تاریخ نشان داده که سیر تحولات را معمولاً و نهایتاً این قدرتهای بظاهر قدرتمند ولی در

اسلامی، و بعنوان دستخوش به آنها، تروریست پلید را آزاد می کند.

اینها همه بمعنای اعلام پشتیبانی آشکار امپریالیستها از ارتجاع است. پیامد این وقایع می تواند اقدامات سبعانه تر جمهوری اسلامی، علیه اپوزیسیون در خارج کشور باشد. اقداماتی که برنوردی قاطع و هوشیارانه را از سوی نیروهای انقلابی و ترقیخواه طلب می کند. راه درهم شکستن توطئه های رژیم و اربابان امپریالیست، برپایی يك جنبش انقلابی گسترده، با الهام از پیگیری و استواری و روحیه مبارزه جویانه توده های تحت ستم و استثمار در ایران است. چنین جنبشی که تنها می تواند با موضع گیری قاطع علیه احزاب و دول امپریالیستی رنگارنگ، بدون چشمداشت مبارزه بااصطلاح ضد تروریستی از آنها و در اتحاد با پرولتاریا و خلقهای ستمدیده سایر کشورها برپا شود، این ظرفیت را خواهد داشت که نه تنها دسائس ارتجاعی را نقش بر آب سازد، بلکه وظایفی که انقلاب بر دوش جنبش در خارج کشور نهاده است، بانجام رساند.

که کورش فولادی، همان تروریستی که ۵ سال پیش قرار بود بهسراه باند وابسته به سفارت جمهوری اسلامی بمبی را در محل تجمع هفتگی نیروهای چپ در هایدپارک لندن کار بگذارد، مورد الطاف حسنه امپریالیسم انگلستان قرار گرفته و همین روزهاست که آزاد شود. البته کورش فولادی موفق به این عمل چنایتکارانه نشد، چون خوشبختانه بمب در ماشین خود حزب الهی ها منفجر گردید و منجر به کشته شدن يك حزب الهی عرب و قطع دست کورش فولادی گشت.

آری بی شرمی امپریالیستها را هم حدی نیست. قبلا دیدیم که چگونه امپریالیسم فرانسه وحید گرجی، طراح بمب گذاری در اماکن عمومی را با سلام و صلوات سوار هواپیمای کرد و به تهران باز گرداند، سپس نوبت به امپریالیسم اتریش رسید که خیلی راحت و بدون دغدغه تحت عنوان منافع ملی، قاتلین قاسملو را که دارای پوشش دیپلماتیک بود به کشورشان بدرقه کرد، و حالا امپریالیسم انگلستان که صرفا برای افتادن آنها از آسیاب و مطمئن شدن از اوضاع، کورش فولادی را در زندان نگاهداشته بود، با اطمینان از حکام سرسپرده

برنامه های «صدای سربداران» همه شب از ساعت ۹ بوقت تهران روی طول موج ۷۵ متر برابر با ۲ / ۴ مگاهرتز پخش می گردد. همین برنامه در ساعت ۳۰ / ۶ صبح روز بعد به استثنای روزهای جمعه تکرار می شود. ساعت پخش «صدای سربداران» در روزهای جمعه ۸ صبح می باشد.

کمکهای مالی خود را به حساب بانکی زیر واریز کنید.

NAT WEST BANK  
SARBEDARAN  
ACC NO 27324958  
ARCHWAY BRANCH,  
LONDON, U.K.

«صدای سربداران» بدون مکاتبه و کمکهای مالی مداوم شنوندگان قادر به ادامه کار نخواهد بود. با ما از طریق این نشانی - با رعایت کلیه اصول امنیتی - مکاتبه کنید.

S.U.I.C  
BOX 50079  
40052 GOTEBOG  
SWEDEN

طول موج و ساعت پخش «صدای سربداران» را بهر طریق ممکن به اطلاع دوستان و آشنایان خود در داخل کشور برسانید.